

(۱) آیا سحر واقعیت دارد؟

چنانکه گفتیم سحر دارای ۳ نوع است، اما نکته مهم آن است که ببینیم آیا نوع اول سحر واقعیت دارد یا دروغ است و سحر تنها در دو قسم دیگر خلاصه می شود.

روشن است که داستان های بسیاری درباره حقیقت داشتن سحر مطرح شده است و این داستان ها از دیرزمان رایج بوده است<sup>۱</sup>

این بحث البته چندان با بحث فقهی تناسبی ندارد و بیشتر به «علم سحر» مربوط است ولی چون برای وجود یا عدم آن به آیاتی از قرآن تمسک شده است، بی مناسبت نیست که به اصل این اقوال و برخی ادله ایشان اشاره کنیم.

الف) مرحوم شهید در دروس به اکثر امامیه نسبت داده است. او همچنین به معتزله و گروهی از شافعیه نسبت داده شده است که ایشان می گویند سحر حقیقتی ندارد و هیچ تاثیری در وجودات عینی و خارجی موجودات نمی گذارد و صرفاً «استخدام قوه خیال مردمان توسط ساحر» است و سحر هیچ ضرری به مسحور نمی زند مگر اینکه ساحر «سم یا دودی» را به بدن مسحور برساند. و ساحر نمی تواند حقیقت اشیاء و ماهیت آنها را تغییر دهد و عصا را مار کند، و همین فرق اصلی بین معجزه و سحر است.<sup>۳</sup>

بر این مطلب به آیات و روایاتی تمسک شده است:

(۱) «قَالَ بَلْ أَلْقُوا فَإِذَا حِبَالُهُمْ وَعَصِيْبُهُمْ يُخِيلُ إِلَيْهِ مِنْ سِحْرِهِمْ أَنَّهَا تَسْعَى / فَأَوْجَسَ فِي نَفْسِهِ خِيفَةً

مُوسَى»<sup>۴</sup>

۱. ن ک: مقدمه ابن خلدون، ترجمه گنابادی، ص ۱۰۴۵.

۲. ج ۳، ص ۱۶۴.

۳. موسوعة الفقه الاسلامی المقارن، ج ۱۰، ص ۴۴۰.

۴. طه / ۶۶ و ۶۷.

ترجمه: «گفت: بلکه شما بیفکنید. پس [چون افکندند] ناگهان ریسمان‌ها و چوب‌دستی‌هایشان بر اثر جادویشان در خیال چنان وانمود شد که با سرعت به راه افتادند/ پس موسی در دلش ترسی احساس کرد.»

دلالت آیه بر مطلب آن است که ساحران، طناب‌های را به جیوه آلوده می‌کردند و وقتی خورشید به آن برخورد می‌کرد، روان می‌شد و پنداشته می‌شد که طناب را به مار تبدیل کرده‌اند.

(۲) آیه ۱۰۲ بقره «... وَ مَا هُمْ بِضَارِّينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ...»

توضیح: آیه می‌گوید که ساحران به هیچ‌کسی ضرر نمی‌رسانند مگر اینکه خدا بخواهد و چون خدا «اذن در قبیح نمی‌دهد» پس آنها نمی‌توانند چنین کنند:

(۳) «لَقَالُوا إِنَّمَا سُكَّرَتْ أَبْصَارُنَا بَلْ نَحْنُ قَوْمٌ مَسْحُورُونَ.»<sup>۱</sup>

ترجمه: باز خواهند گفت: یقیناً ما چشم‌بندی شده‌ایم، بلکه گروهی جادو شده هستیم

(۴) «قَالَ أَتَقُولُوا فَلَمَّا أَتَقُوا سَحَرُوا أَعْيُنَ النَّاسِ وَ اسْتَرْهَبُوهُمْ وَ جَاءُ بِسِحْرِ عَظِيمٍ.»<sup>۲</sup>

ترجمه: [موسی] گفت: شما بیندازید. هنگامی که انداختند، چشم‌های مردم را جادو کردند و آنان را سخت ترساندند، و جادویی بزرگ و شگفت‌آور به میان آوردند

(۵) روایت‌هایی هم دال بر این مطلب است، مثلاً:

«الطب: عن إبراهيم بن البيطار، عن محمد بن عيسى، عن يونس بن عبد الرحمن ويقال له يونس المصلي لكثرة صلاته عن ابن مسكان، عن زرارة، قال: قال أبو جعفر الباقر عليه السلام: إن السحرة لم يسلطوا على شيء إلا العين.»<sup>۳</sup>

(۶) در روایت احتجاج، امام صادق در پاسخ به زندقی که پرسید:

«قَالَ أَفَيَقْدِرُ السَّاحِرُ أَنْ يَجْعَلَ الْإِنْسَانَ بِسِحْرِهِ فِي صُورَةِ الْكَلْبِ أَوْ الْحِمَارِ أَوْ غَيْرِ ذَلِكَ قَالَ هُوَ أَعْزَمُ مِنْ ذَلِكَ وَ أضعفُ مِنْ أَنْ يُغَيِّرَ خَلْقَ اللَّهِ إِنْ مَنْ أَبْطَلَ مَا رَكَّبَهُ اللَّهُ وَ صَوْرَهُ وَ غَيْرَهُ فَهُوَ

۱. حجر/۱۵

۲. اعراف/۱۱۶

۳. بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۴

شَرِيكَ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ تَعَالَى اللَّهُ عَنْ ذَلِكَ عُلُوًّا كَبِيرًا لَوْ قَدَّرَ السَّاحِرُ عَلَى مَا وَصَفْتَ لَدَفَعَ عَنْ نَفْسِهِ الْهَرَمَ وَالْآفَاقَ وَالْأَمْرَاضَ وَكَفَى الْبَيَاضَ عَنْ رَأْسِهِ وَالْفَقْرَ عَنْ سَاحَتِهِ»<sup>۱</sup>

این روایت فی الجمله سحر را نفی می کند.

(۷) شیخ طوسی در بیان اینکه سحر واقعیت ندارد می نویسد:

«وَأَيْضًا فَإِنَّ الْوَاحِدَ مَنْ لَا يَصِحُّ أَنْ يَفْعَلَ فِي غَيْرِهِ، وَ لَيْسَ بَيْنَهُ وَ بَيْنَهُ اتِّصَالٌ، وَ لَا اتِّصَالٌ بِمَا

اتصل بما فعل فيه، فكيف يفعل من هو ببغداد فيمن هو بخراسان و أبعد منها»<sup>۲</sup>

(ب) برخی از امامیه و اکثر فقهای مذاهب دیگر میگویند که برخی از انواع سحر، دارای حقیقت است و در

عالم موجودات تاثیر میگذارد، صاحب جواهر و صاحب مفتاح الکرامه از این گروه دانسته شده اند.<sup>۳</sup>

بر این مطلب به آیات و روایاتی اشاره شده است:

(۱) آیه ۱۰۲ سوره بقره که درباره آن مفصل سخن خواهیم گفت:

(۲) سوره فلق:

«قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ / مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ / وَ مِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ / وَ مِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ  
/ وَ مِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ.»

ترجمه: «بگو: به پروردگار سپیده دم پناه می برم، از زیان آنچه آفرید، و از زیان شب هنگامی که با

تاریکی اش درآید [که در آن تاریکی انواع حیوانات موذی و انسان های فاسق و فاجر

برای ضربه زدن به انسان در کمین اند] و از زیان زنان دمنده [که افسون و جادو] در گره ها

[می دمنند و با این کار شیطانی در زندگی فرد، خانواده و جامعه خسارت به بار می آورند]

و از زیان حسود، زمانی که حسد می ورزد.»

چنانکه مفسرین گفته اند، این سوره - به همراه سوره ناس - برای بطلان کارهای ساحران نازل شده

است و «نفث» به معنای ریختن مقدار کمی آب دهان یا به معنای نفخ (دمیدن) است<sup>۴</sup> و بسیاری از

۱. الاحتجاج؛ ج ۲، ص ۳۴۰

۲. الخلاف؛ ج ۵، ص: ۳۲۸

۳. محاضرات فی الفقه الجعفری، ج ۱، ص ۲۹۲.

۴. تفسیر کبیر، ج ۳۲، ص ۳۷۴.



مفسرین هم نفاثات را زنان ساحره دانسته اند که در گره هایی (عُقَد) می دمند و به این وسیله سحر می کرده اند برخی هم این لفظ را به معنای زنان وسوسه گر که پی در پی در گوش همسران خود سخن می گفته اند تا باعث فساد شوند، معنی کرده اند.

البته در شأن نزول هم گفته اند که پیامبر با این سوره از شرّ ساحران به خدا پناه برده اند (برخی نوشته اند که این دلیل بر آن نیست که ایشان بر پیامبر مسلط بوده اند)<sup>۱</sup>

درباره «شرّ ما خلق» هم گفته شده است که مراد شیطان است، برخی هم مراد از این لفظ را «جهنّم» دانسته اند و برخی نیز حیوانات موزی را مورد اشاره قرار داده اند.<sup>۲</sup>

فخررازی نقل می کند که گفته شده است «نفاثات» اشاره به دختران «لیید بن اعصم یهودی» دارد که پیامبر را سحر کردند.<sup>۳</sup>

و از برخی دیگر از مفسرین نقل می کند که آیه ناظر به سحر نیست بلکه می گوید «زنان در اراده مردان خلل ایجاد می کنند» فخررازی این قول را می پسندد ولی آن را خلاف نظر اکثر مفسرین می داند.<sup>۴</sup>

نکته ای که لازم است اشاره کنیم آن است که معتزله که به «عدم حقیقت داشتن سحر» اعتقاد داشته اند، این سوره را چنین توجیه می کنند که:

استعاذه به خدا یا به این جهت است که «سحر گناه دارد» و لذا از گناه آن به خدا پناه برده می شود و یا به این جهت است که از برخی اعمال ساحران مثل اینکه غذاها و داروهایی را به انسان می دهند که باعث جنون یا مرگ می شود، به خدا پناه می برند

۱. تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۴۶۲.

۲. تفسیر کبیر، ج ۳۲، ص ۳۷۲.

۳. تفسیر کبیر، ج ۳۲، ص ۳۷۴.

۴. تفسیر کبیر، ج ۳۲، ص ۳۷۲.